

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
 صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
 و یومیه (جبل المتین)
 (عنوان مراسلات)
 طهران خیابان لاله زار
 نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
 دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
 غیر از روزهای جمعه همه روزه
 طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۹

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
 سایر بلاد داخله ۴۵ قران
 روسیه و قفقاز ۱۰ منات
 سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
 (قیمت يك نسخه)
 در طهران صد دینار
 سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
 با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

بک شنبه ۹ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۹ آذرماه جلالی ۸۲۹ و ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷ میلادی



(عهد نامه روس و انگلیس یا نفس آخر ایران)

اول روزنامه داخلی ایران که در این موضوع
 خانه سوز بقدر مقدور سخن راند جبل المتین یومیه بود
 که در چندین شماره بی در بی آنچه میدانستیم و از پیر
 استاد بیاد داشتیم نوشتیم و بکار زدیم مگر حس این ملت
 را بیدار و خون شان را اندکی گرم سازیم و نظر
 سطحیشان را قری متوجه نطق در مسائل پلتیکی
 بنمائیم لکن چون این مقالات مشتمل بر فحش و دشنام بود
 مطبوع طبع عامه نگردید و بسبب آنکه تملق و تمجید
 نداشت منظور نظر خواص و بزرگان نشد تنها چیزیکه
 بما ماند گریه هائیکه در وقت نوشتن بی اختیار مینمودیم
 و خوف ابتلای بمرض سل که غالباً از نوم نوشتن این قبیل مقالات
 است الله! روس ز حال ملتی که غایت کیفیتشان لودگی و پادوسرانی
 است چه توان گفت با قومیکه ابرر رجالشان مکرشود از اینکه در
 حقش نصیحت نویسد و بی بحال اشخاصیکه نصیحت رانایح یابند و
 غرور اسلخ بلکه در مجالس و محافل از چندین فضول خود نمناشئیده
 شد که سخن از تقسیم ایران گفتن و دم از فصول معاهده
 زدن عامه را نافع نیست و کاری پسندیده نه . سبحان الله
 کوس رسوائی مارا بر سر بازار کره زمین زدند نمائند
 روزنامه از مشرق تا مغرب علم که در این موضوع سخن
 نراند و از این تقسیم اظهار مسرت یا اسف ننماید ، در
 تمام مجالس دنیا سخن بتقسیم ایران قل مجلس و شمع
 محفل شد آیا بدینکه ما چون کبک سر در زیر بری کنیم
 این حادثه عظمی و فاجعه کبری از صفحه عالم محو و
 نابود خواهد شد یا از تجاهل و نفاق ماهرکات دولتین
 خنی و بی اثر خواهد گردید ؟ از سه ماه پیش تا کنون
 هیچ هفته پست خارجه وارد نمیشود و عده زیادی از

چراغ عربی و ترکی و انگلیسی و فرانسوی و غیره وارد
 نمیکند مگر آنکه ستونهای بسیار از آنها پر از شرح این
 فاجعه است در این تیاتر که پرده اولش خاک پدال ایران است
 بروی تمام تماشا تیان باز شده و اهل عالم جملگی سیر
 این تیاتر ترا ژبک (تیاتر راجع بمعصیت و گریه آور
 رامینمایند) و این سخن که از کج حماقت تراوش کرده
 نظیر السخن است که به منی ناخردان گویند چراغ ایران
 فضایح احوال مارا بخارجه نشان میدهند و ایرانیان را
 رسوا میکنند . . . ای بد بخت از همه دنیا بیخبر مگر
 نمیدانی سر تمام سیمهای تلگرافی ما در تلگرافخانه
 انگلیس است و هر تلگرافی که از آن سری تر و مخفی تر
 نباشد پیش از هر کس اول انگلیس میفهمند همان انگلستان
 که مخبر رو ترند یا و فنیع نگار طبمس واستندارد
 اخبار صحیحه که بما میرسد آلتکه از طهران
 بلندن خیر میدهند و از آنجا تانیا مراجعت کرده

بدست ما میافتد — سبجاهتید تا کی بی خبر میباشید
اگر میخواهید وسعت اطلاع و زود خبر دار شدن آنها
را بفهمید از همین یگنفره ملتفت بشوید که فرانسه قشون
فرستاد بتسخیر جزیره مدیکاسگر هنوز خبر فتح بخود دولت
و وزارت جنگ فرانسه نرسیده بود که روز نامه طیمس
خبر فتح آنها را منتشر کرد اخباری در جرائد خارجه از
ایران مینویسند و همه روزه میخوانیم که هرگز ماجرت
نوعتن آنها را نداریم —

با اینهمه از بس ایراتیان مقیم خارجه بما نوشتند و
از سکوت و کلاء و تسلیم وزراء و پرکت نمودن مجاس
و غفلت ملت شکایت کردند که باز مجبور شدیم مجدد قلم
را بجانب این مسئله مهم مطوف داریم و خود را در نظر
آنها تیکه فهم دارند مقصر نسازیم و اوراق را شاهد بیاوریم
که تکلیف شرعی و وطنی را اداء کردیم و بجهت آنکه
خوب حالی کنیم و بچشم نشان دهیم قشقه تقسیم را نیز
مرکب کردیم تا آنها که کمتر متوجه مطلب میشوند از روی
قشقه بفهمند چه خاکی بر سر ما ریخته شده و در چه
غرفایی ما را افکند. اند —

کلیه خاک ایران در این نقشه سه قسمت شد یکی
در سمت بالا و شمال نقشه دویم مثلثی که در گوشه
جنوبی شرقی است سیم انقطه سفیدیکه در وسط است
و منتهی میشود بخلیج فارس — دولتین روس و
انگلیس این قطعه سفید را فعلا کرامت و بزرگی کرده
بخود ما واگذار کرده اند و ضمنا هم دستی بر آلمان
مالیده و راهی از برای او باقی نگذارند که اگر وقتی سر
بر آورد بگویند تو هم حق خود را در اینجا استیفاء نما
آن مثلث که منتهی بپندر عباس میشود و کرمانرا در داخله
خود جا داده و سر مثلث قارک است قسمت انگلیس شده
بچند ملاحظه یکی آنکه پندر عباس را هر کس دازا باشد تمام
خلیج فارس را صاحب است تنگه را مهر مرزا مسدود کرده
و کلیه داخله خلیج را مسدود المبور میکند و یک پندر جنگی
که در تمام کره زمین نظیری ندارد بهفت بدست میاورد و
از انطرفی راه آهن هند که تا کویت آمد و از کویت هم
بیست و پنج فرسخ رد شد و به نوشکی رسید. قدری
بیشتر میاورد و بر باط میرساند و انوقت که مشغول آباد
کردن سیستان میشود و مصر کوچک را مالک هد. سالی
دویست کرور فائده میبرد بلی در معامله سر حدی
کمسیون حکمیت که در سه سال متمادی اینجا متوقف
بود و دو سال است عقل ختم شد. از قابلیت زمین
و آب سیستان چنان فهمید که خوب است مال انگلیس
باشد تا مثل مصر پر از زراعت کرده — این سیستان
که از همه جهت صد هزار سکه دارد که نصف بصلب گذران

میگذارد یکصد فرسخ زمین هموار قابل زراعت دارد که
آب هیرمند بیای خود وارد آنها میشود و متعارفا یک
تخم پنجا. تخم میدهد و با آنکه کماتش خالصه دولت است
بیست و سه هزار خروار غله عاید دولت میکند اگر
درست مثل مصر زراعت شود سالی یکصد کرور تومان
تنها پول آنست چنانکه مصر سالی سیصد و پنجاه کرور
تومان پول پنبه همه ساله میگیرد — یک کرور حیوانرا
میتواند بخوبی مسکن و علوفه بدهد که تنها از پشم آنها
کرورها عاید میکرد صد هزار خروار غله اش لا اقل
حمل بخارج خواهد شد و برای انگلیس تالی هند خواهد
بود فرمان که جای خرد دارد —

آن قسمت بزرگ که در برابر این دو قسمت از
پس وار هم زیاد تراست مال روس شده و بقدری این
خط بسمت یائین آمده که یزد را نیز شامل شده و کلیه
این اراضی (از حلب تا کاشغر میدان سلطان سنجر)
کردیده —

حال در اینموقع چند مطلب داریم که باید از هم
جدا کرده یکی یکی را موضوع بحث قرار دهیم
اول آیا واقعا ایران را تقسیم کرده اند یا نه ؟
دویم در صورت تقسیم حقیقی چگونه سهم خود را
تصرف خواهند کرد بزور یا پلتیک ؟
سیم مانعی از برای آنها هست در این تصرف باخیر ؟
چهارم راه چاره از برای ما متصور است یا نه ؟
اما مطلب اول — واضح است که روس و انگلیس
شوخی باهم ندارند و در عالم مستی و هذیان هم نیوده اند
در مشاعر و ادراکات رجال دولتین هم خللی واقع نشده
عالم عامد هشیار هستند و سخن بجد میگویند و بدیهی است
که آدم عقل صحیح المشاعر بیهوده حرف نمی زند
و فهمیده و تسنجیده صحبت نمی کند مدت دو سال است
که ماورین دو دولت در این حرفی هستند پس لابد
قصد و غرضی منظور کرده اند زیرا که آدم عقل تا
غرض و نتیجه را منظور نظر نداشته باشد در صد
مقدمات برنماید در نمره گذشته گفتیم فرق انسان و حیوان
همین است که حیوان در حرکت خرد قصدی و نتیجه در
مد نظر نمیگیرد ولی انسان مجال است تا یک امر را در
خیال نیارد بیهوده حرکت کند — شما یکفر
آدم خیلی پست را اگر در حرکت دیدید بلا شبهه
میدانید که در عقب یک کاری میرود و غرضی از
حرکت خود دارد در اینصورت عقل حکم نمیکند این
دو دولت بدون آنکه یگفائده بزرگی را منظور داشته
باشند با هم عقد اتحاد کنند و بطوم است که هر چه
مقدمات کار بیشتر و زحمتش زیاد تر باشد دلیل بر
عظمت نتیجه است ، این چنین کاریکه تاریخ بخاطر

ندارد که بین روس و انگلیس واقع شده باشد و بحسب ظاهر منافی وصیت پطر کبیر و بر خلاف روش دوست ساله دولتین است البته يك نتیجه خیلی بزرگی از آن میخواهند که اقدام میکنند چطور که معاهده فرانسه با روس و معاهده انگلیس با ژاپون و غیره و غیره — تا اینجا دلتیم که بخيال نتیجه اند و نتیجه نیز بزرگ و مهم است و نیز میدانیم که نتیجه هرچه باشد و هر قدر بزرگ یا کوچک باعد برای دولتین و لا اقل برای يك کدام از آنها نفع و فائده باید داشته باشد بواسطه آنکه عاقل اقدام بکاری کند که نفع نداشته باشد نمیکند و مجال است شخص اقدام بکاری کند که نفعش عاید دیگران شود حالا کلام در تبیین نفع است که این نفع چیست و برای هر کدام از دو دولت چه فائده عائد میشود — این نفع یا عبارت از بهره و سود تجارتی است در ایران یا نفع تملك و تصاحبی یا حفظ ممالک و سرحدات خود بشیبهی است که از طرف ایران هرگز در همسایگی ضرر بروس و انگلیس وارد نمیشود و دولت ایران آن نفع را ندارد که بانها زور گفته یا اسباب فساد و شورش در ملك آنها فراهم بیورد و اگر بعد از این قدرت پیدا کند ربطی بسابق ندارد پس نفع حفظ سرحدی از تعدیات ایران در کار نیست — اما نفع تجارتی انهم چیزی نیست که از این معاهده نفع تازه پیدا شود طرف تجارت ایران تقریباً منحصر بروس و انگلیس است و از سایر دول بقدری کم و ناقابل است که لایق اعتبار نیست بملایه تجارت در تمام دنیا حتی در خود روسیه و انگلستان آراد است و احدی نمیتواند مانع بشود و علماء فن ثروت خصوص در انگلستان بکلی منکر انحصار تجارتند و بر فرانسه ایراد میکنند که بواسطه وضع يك كمرک جدید که غرضش ازدیاد تجارت فرانسه بودسالی دو هزار کروور فرانك كسر در تجارت خارجه فرانسه وارد شده و بهر حال ممکن نیست ازین معاهده فی حد ذاته یكشاهی بر تجارت آنها با ایران و تجارت ایران با آنها بیفزاید و بملایه اینقدرها نیز تجارت ایران اهمیت ندارد زیرا که همه تجارت ایران چه با روس و چه با انگلیس و چه با سایر دول بقدر پنججاه يك تجارت مصر محسوب نمیشود انگلیس در سال هیجده هزار ملیون فرانك تجارت با تمام دنیا دارد و قسمت ایران از اینهاست یك قسمت از پانصد قسمت باشد و تاکنون امتیازات تجارتی که گرفته یادر عهده تعطیل و تمویق است مثل ممدن غلط و غیره و یاندعی زیان و ضرر هستند مثل بانك شاهنشاهی که بقول خود انگلیسان از صد قسم سرمایه چهل قسمش را تم کرده و بالاخره اینکار قابل اینهمه گبرو کش نیست بملایه مقصود هرکس را باید از کلماتش

اكتشاف کرد سریع در فصل اول دویم عهدنامه امتیاز پلتیکی را اسم میبرند و اكتفاء با امتیاز تجارتی نمیکنند پس بدین قرار باید منفعت آنها راجع به پلتیکی باشد — منفعت پلتیکی چیست ؟ نفعی است که قوت بدهد پلتیک دولتی را در بگذاکی و کلمه پلتیک عبارت است از ترتیب و قواعدیکه بکار برده میشوند برای استقرار حکومت و سلطنت و کلیه آنچه راجع باستیلاء و نفوذ و غلبه حکمرانی و فرمانفرمائی است آنرا پلتیک میگویند و باین بیان واضح شد که نفعی که منظور کرده اند قوت یافتن حکمرانی دولتین است در خاک ایران نه و سمت تجارت و نه امری دیگر ؟

خلاصه مذاکرات مجلس دارالشوری

پنجشنبه ۶ ذیحجه

اظهار شد که وظیفه وکلا وضع قوانین و نظارت در اجرای آن است همین طور باید امنیت ولایات را هم بخواهند اگر صلاح است امروز در اینخصوص مذاکره شده مطلب ظاهر شود گفته شد که وزیر خواهند آمد و هر گاه صلاح شد مذاکره میشود شروع بقانون انطباعات شد چند ماده از آن قرائت و تصحیح شد رئیس الوزرا بیجلس آمده قانون وزارت داخله را آورد که اعلیحضرت صبح فرمودند عموماً اظهار تشکر و امتنان نمودند چند تلگرافی از شاهزاده فرمانفرما و انجمن ایالتی آذربایجان در اغتشاش ساوجبلاغ و مردم عشایر و اکراد و آمدن آنها بسمت میان دوآب و خواستن قشون و افواج و فشك و قزاق از انجا و عزیمت فرمانفرما برای جلوگیری بسمت میان دوآب و پنجاه هزار تومان پول برای مخارج حرکت قشون قرائت شد جواب از این تلگرافات كه هیئت کابینه نمودند بایشان و بانجمن قرائت شد که آنچه از استمداد خواسته شد فرستاده میشود و حسن ظنی که بحضرت ولا است اقدامات خواهند نمود و انجمن هم کمال حسن ظن را بحضرت والا داشته مساعدت در امورات خواهند نمود بعضی اظهارات شد که مدتیست وکلای آذربایجان و فرمانفرما در خصوص اغتشاش آذربایجان و لزوم قشون برای انجا کراراً مذاکره و اسرار کرده اند و تا کنون حتی از این کابینه که محل اطمینان بوده اقدامی نشده است گفته شد که از طرفی وزیر اسامحه و تصصیری نشد و این اغتشاش سابق بر این بود اظهار از عدم همراهی دولت و تحریک غیبیه شده و از اینكه وزراء موانع را اظهار نمیدارند تا ملت تکلیف خود را بدانند چرا با این اغتشاشات آذربایجان و خواستن قشون از انجا بدون اطلاع و تصویب وزراء امیربهار هشتم

حوال از اجابخواهد و پیش از آن اظهار داشت
که اطلاع نداریم گفته شد حوالی صورت باید پی
و این شاخه را گرفته تا ریشه رسیده قطع آن ریشه را
پس از بیخ کرد تا این حرکت که بلیه خزان مملکت
و بیعت هندی مات و دولت است بروز نکند و باید این
عصی را از مناسب خلع کرد در این خصوص و
هم همراهی دولت مذاکرات زیاد شد قرار شد که
تحقیق و رسیدگی این مطالب در صورت ثبوت مجازات
باشد و دولت شد که جواب فرما فرمایند آنچه نوشته عمل میشود
یا نه و وزیر داخله اظهار کرد که فرج فرزند و خسته
قرار شد بیرونند و قزاق هم فرود ناپس فردا حرکت
کنند گفتند هم فرستاده میشود سردار مقتصد هم که
خواستار بیرون میبرد و آنچه تلگرافی به تمام سر
کرد حادثه که فواج خود شان را حرکت بدهند
گفته شد که انجمن بجهت هزار تومان پول خواسته
است گفته شد آنهم داده میشود که نظارت انجمن
فرما فرما مخارج نمایند اظهار شد که فرما فرما
تلگرافی از مجلس خواسته که بلیه اختیار نامه در این
خصوص داده شود که بخواهد از عهده بر آید و کار از
او بیطرف نماید گفته شد که بمجلس رجعی ندارد
باید دولت اختیار نامه بگوید بعد اگر وزیر صلاح
میداند چه ضرر دارد گفته شد مجلس در صورتی
تلگرافی میکند که آن تلگرافی را هیئت کابینه تصویب
نمایند و صبح همان یونی رسید آنوقت مجلس آنرا
معتبره میکند و الا مجلس هیچ تلگرافی نخواهد
کرد که بگویند مداخله در اجراء نیات است
(مریضخانه ناز)

روز بروز شوق و توقی ملت در تاسیس مکاتب
و ایجاد مدارس و دکن ساختن مریضخانه ها دراز
میدانست و این خود دلیلی واضح و بر هندی لایح بر
ترقی ملوک و شاعر ملی است چنانکه از چندی قبل
جنب حاجی منصور الحکماء که مراتب خدانت را با هر
احل انسانیت جمع کرده بمحسنتی و مساعدت دست
الهی خان که سالها در مریضخانه بنگر دنیائی مشغول
علیات یدی و غیره بوده و مخالف از اعیان و اکابر
دکنی و مهارت ایشان را مشاهده نموده نموده همراهی دکتر
لرستو خان محض خدمت مملکت و وطن و آسایش
فرج تنگبلی بگیا مریضخانه موسسه (بیمارستان همت)
هر خلیان ناصریه در خانه هندی مستد الحزم با تمام
الوازم و ادوات از قبیل آلات جراحی و کتالی و ردادی
و قابل و کلیه اعمال یعنی همچون مریضخانه های
عالم تمدن نموده اند مستعد مین لایق و بر ستار
مرطبه و زانه را فراهم نموده و دست و پا تخت خواب
مریضی که پنج از آنها مخصوصی قراء و میطی است و
بیت تخت دیگر بولی و جیبی متصود صرفی خدمت
است و جلب منفعت سایر اطباء را نیز اجزاء میدهند
که مریضی خود را آورده یا بنفشه یا بیساعت آنها
متحول عمل شوند حتی اشکری طیب است از خود ادوات
التره را نداشته باشد از لوازم مریضخانه باو آریه
میدهند — راستی از این عمل بیخ از حد شاد شدیم
و آنچه در ماده جنب مشهور است که از دوستان

حقیقی و خاصه هم شهری محترم ما است حسن ظن
داشتیم بدرجه حس و عیان رسید خداوندش توفیق
دهاد و چشم ما را با مثال ایشان روشن کند — محض آگاهی رجوع
کنندگان مریضخانه مذکور توضیح میدویم ، هرگاه مریضی
که بان مریضخانه بیاورند زن باشد الا باید یک نفر از
مخارم یا بستگان مادامیکه در مریضخانه میباشد همراه
آن باشد دیگر آنکه همه روزه از صبح الا غروب
دکتر ابوبخان در مریضخانه برای مسالجه رجوع کنند
کان حاضر میباشد

افتتاح مریضخانه با حضور حجج اسلام و اولاد و رجال
و تجار و اعضاء انجمنها و اطباء ایرانی و فرنگی روز دوشنبه دهم
دو ساعت قبل از ظهر حوال است بمبارکی او میمنت خواهد شد
(تلگرافی مخصوص اداره از فرزین — به طهران)
جناب مدیر محترم حبل المتین جناب اجل آقا
میرزا آقای اصفهانی وکیل محترم آذر با بجان دام
الیه الهی با احترام تمام وارد شدند ظهر یکشنبه
نهم وارد طهران خواهند شد (محمد ابراهیم)
(تلگرافی شیراز — بطهران)

حضور اعضاء محترم دارالشورای کبری حضرت
وزیر مالیه — حضرت وزیر داخله — دو ماه است
ملت مظلوم در آستانه مقدس شاه چراغ متحصن با آنکه
از طرف مستبدین انواع صدمات وارد آمده جای دیگر
پنهانند نشدیم زیر بار تنگ ابدی نرفتیم بد بخانه حمایت
میرزا ابراهیم محلاتی و راهپورت جمعی خیر الدوله
نوکر قوام غلات اثناء ملت و دولت کشف حقیقت نشده
رشته خوران قوام دفع شخصی را بیک مملکت ترجیح
داده القای شبه میکنند که ما بیچاره کان بهوا خواهی
عمر و زین ظلم میکنیم خدا شاهد است پسر های قوام
فارس را آتشی زدند بلوک فسا و کربل و مردشت را
غارت زنان رعایا را بدست اعراب و قتل نفوس فرو
گذار نمی نمایند آخر ما ها مسلمانیم رعیت ایرانیم این
همه غفلت از یک مملکت نتیجه خوب ندارد استدعا
داریم اولاً حاکمی غیر از علاء الدوله عاجلا بما
بگمارند ثانیاً پسران قوام ظالم متمدد دیوان نصیر الملک
مدبر السلطنه خیر الدوله و هر کسی دیگر که صلاح
بدانند احضار فرمایند که چندی ما بیچاره کان آورده
شویم چنانچه اولیاء دولت علیه مثل قوام ظالم را بر ملت
مظلوم ترجیح بدهند عاجلا تکلیف متحصنین را معین
فرمایند تا در صدد تهیه جلاء وطن برائیم ملت متحصن
شاه چراغ مروض میدارند کراراً عرض شده غفلت از
حال اهالی مملکتی مثل فارس خارج از حزم است
عرایض متحصنین خالی از غرض و صلاح ملت و دولت
است (خیر الخیر ماکان حاجله) العبد الماثر محمد باقر
الاحقر عبد الحنین الموسوی

(حسن الحسینی الکاشانی)